

حضرت عبدالبهاء میفرمایند: سیاست الهی مهربانی بجمیع بشر بدون استثناء . آن سیاست حقیقی است و این روش شایان نفوس مقدسه رحمانیه.

(گلزار تعالیم بهائی ص ۲۶۱)

عنوان: نگرش بهائیان نسبت به سیاست

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- دعای دسته جمعی (لک الحمد یا مقصود العالم و لک الشکر یا محبوب الافئده المخلصین)

۳- قسمتی از آیات مبارکه حضرت بهالله

۴- منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء (قسمت اول)

۵- منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء (قسمت دوم)

قسمت اداری

۶- برگزیده ای از خطابات مبارکه

۷- از توقیعات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله

۸- سیاست الله و وظیفه احبای الهی

۹- نصایح و تعالیم الهی را نشنیدند

۱۰- نگرش بهائیان نسبت به سیاست

۱۱- مسائل نهائی مسائلی روحانی هستند

۱۲- عدم دخالت در امور سیاسیه به معنی بی تفاوتی نیست

۱۳- شور و پیشنهادات: درپاسخ به سوال هموطنان که "نگرش بهائیان به سیاست چیست" چه می گوئیم؟

قسمت اجتماعی

۱۴- برنامه نونهالان و نوجوانان

۱۵- الفت و پذیرائی

۱۶- مناجات خاتمه

1- مناجات شروع

الها معبودا مسجودا مقتدرا شهادت میدهم که تو به وصف ممکنات معروف نشوی و به اذکار موجودات موصوف نگردی. ادراکات عالم و عقول امم به ساحت قدست علی ما ینبغی راه نیابد و پی نبرد. آیا چه خطا اهل مدینه اسما را از افق اعلایت منع نمود و از تقرّب به بحر اعظمت محروم ساخت؟ یک حرف از کتابت امّ البیان و یک کلمه از آن موجد امکان. چه ناسپاسی از عبادت ظاهر که کلّ را از شناسائیت باز داشتی؟ یک قطره از دریای رحمت نار جحیم را بیفسرد و یک جذوه از نار محبّتت عالم را برافروزد. ای علیم اگر چه غافلیم ولکن به کرمت متشبّث و اگر چه جاهلیم به بحر علمت متوجّه. توئی آن جوادی که کثرت خطا ترا از عطا باز ندارد و اعراض اهل عالم نعمتت را سدّ نماید. باب فضلت لازال مفتوح بوده شبمی از دریای رحمتت کلّ را به طراز تقدیس مزین فرماید و رشحی از بحر جودت تمام وجود را بغنای حقیقی فائز نماید. ای ستّار پرده بر مدار لازال ظهورات کرمت عالم را احاطه نموده و انوار اسم اعظمت بر کلّ تابیده. عبادت را از بدایع فضلت محروم منما و آگاهی بخش تا بر وحدانیتت گواهی دهند و شناسائی ده تا بسویت بشتابند. رحمتت ممکنات را احاطه نموده و فضلت کلّ را اخذ کرده از امواج بحر بخششت بحور طلب و طمع ظاهر هر چه هستی توئی مادونت لایق ذکر نه الا بالدّخول فی ظلّک والورود فی بساطک. در هر حال آمرزش قدیمت را میطلبیم و فضل عمیمت را میجوئیم. امید چنان که نفسی را از فضلت محروم نسازی و از طراز عدل و انصاف منع نمائی. توئی سلطان کرم و مالک عطا و المهیمن علی من فی الأرض و السماء. (ادعیه حضرت محبوب ص ۳۲۰)

۳- قسمتی از آیات مبارکه حضرت بهالّله

حضرت موجود می فرماید: آسمان سیاست به نیر این کلمه مبارکه که از مشرق اراده اشراق نموده منیر و روشن است. ینبغی لکلّ امرٍ أن یزنَ نفسَهُ فی کلّ یومٍ بمیزانِ القسطِ وَ العَدلِ ثُمَّ یَحکُمُ بَینَ النَّاسِ وَ یأمرُهُم بِما یهدیهم إلی صِراطِ الحِکْمه وَ العَقْلِ ... انتهی اینست اسّ سیاست و اصل آن. حکیم آگاه از این کلمه استخراج می نماید آنچه سبب راحت و امنیّت و حفظ نفوس و دماء و امثال آنست. اگر صاحبان افئده از دریای معانی که در این الفاظ مستور است بیاشامند و آگاه گردند کلّ شهادت می دهند بر علوّ بیان و سموّ آن.

(دریای دانش ص ۱۸)

و در بیانی دیگر می فرمایند:

امید هست که کلّ بطراز حکمت حقیقی که اسّ اساس سیاست عالم است مزین گردند.

(آیات الهی ج ۱ ص ۳۳۵)

۶- برگزیده ای از خطابات مبارکه

خداوند به جمیع مهربان است و جمیع را می پرورد به هر جنس باشد به هر نوعی به هر ملّتی مهربان است جمیع را رزق میدهد جمیع را می پروراند جمیع را حفظ میکند و با جمیع با الطاف معامله می نماید. مادام که خدا به کلّ مهربان است ما چرا نامهربان باشیم؟ مادام خدا با کلّ باوفا است ما چرا بی وفا باشیم؟ مادام خدا با کلّ به رحمت معامله می کند ما چرا به قهر و غضب معامله کنیم؟ این است سیاست الهیه البتّه اعظم از سیاست بشریه است زیرا بشر هر قدر عاقل باشد ممکن نیست که سیاست او اعظم از سیاست الهی باشد. پس ما باید متابعت سیاست الهیه کنیم جمیع ملل و خلق را دوست داشته باشیم به جمیع مهربان باشیم.

(خطابات حضرت عبدالبهاء ج ۲ ص ۱۳۲)

۴- منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء (قسمت اول)

- امور سیاسی هر چند از مهمّ امور است ولی بالنسبه به این امر عظیم سراب است نه شراب و در مقابل بنیان ملکوت اوهن بیوتست . پس باید شب و روز فکر خویش را در این اهمّ امور صرف نمود و دقیقه ئی فتور نیاورد و قصور ننمود . نفسی را اگر بیت المعمور ممکن الحصول البتّه باید از بیت مطمور چشم بپوشاند انّ ربّی لعلی صراط مستقیم . عبدالبهاء نهایت محبّت به شما دارد و از برای شما سیاست ملکوتی جوید و امور ربّانی روحانی خواهد که سبب حیات جهانست و ترقّی و علویّت جهانیان . امیدم چنانست که بآن پردازند تا جهانیان را بنار محبّت الله بگدازند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد دوم ص ۲۰۱)

و نیز می فرمایند:

به نص قاطع جمال مبارک احبّا در امور سیاسی مداخله ندارند بلکه باید جمیع افکار خویش را حصر در تبلیغ نمایند. امروز تبلیغ تکلیف کل است مثل اینکه عبدالبهاء با وجود آنکه تُراب تربت پاک ، روح و جان اوست از این فیض عظیم خود را مهجور نموده تا آنکه شاید به قدر عجز خویش خدمتی به آستان مقدس نماید.

(مکاتیب عبدالبهاء ج ۴ ص ۱۸۲)

و همچنین می فرمایند: امور سیاسیّه راجع به اولیای امور است چه تعلق به نفوسی دارد که باید در تنظیم حال و تشویق بر اخلاق و کمالات کوشند .

(پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۵۷)

و در بیانی میفرمایند: حزب الله را در امور سیاسی مدخلی نه و از حکومت عالم شکر و شکوه ای نیست . از جمیع احزاب در کناریم و با چشم اشکبار از برای کلّ امم و ملل فضل و موهبت پروردگار طلبیم ... ما را با احزاب نه الفتی و نه کلفتی.

(گلزار تعالیم بهائی ص ۴۵۲)

۵ -منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء(قسمت دوم)

و در یکی از مکاتیب مبارکه می فرمایند:اساس اصلی جمیع ادیان الهی که تعلق بفضائل عالم انسانی دارد و سبب سعادت عالم بشر است در تعلیمات حضرت بهاءالله بنحو اکمل موجود و همچنین مللی که آرزوی حریت نمایند حریت معتدله که کافل سعادت عالم انسانیت و ضابط روابط عمومی در نهایت قوت و وسعت در تعالیم حضرت بهاءالله موجود و همچنین حزب سیاسی آنچه اعظم سیاست عالم انسانیت بلکه سیاست الهی در تعالیم حضرت بهاءالله موجود و همچنین حزب مساوات که طالب اقتصاد است الی الآن جمیع مسائل اقتصادی از هر حزبی که در میان آمده قابل اجرا نه مگر مسئله اقتصادی که در تعالیم حضرت بهاءالله و قابل الاجراست و از آن اضطرابی در هیئت اجتماعی حاصل نگردد و همچنین سائر احزاب چون بنظر عمیق دقت نمائید ملاحظه میکنید که نهایت آرزوی آن احزاب در تعالیم بهاءالله موجود این تعالیم قوه جامعه است در میان جمیع بشر و قابل الاجرا

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول ص ۲۹۵)

وقوله المبین: مداخله در امور سیاسیّه عاقبت پشیمانی است لایسمن و لایغنی باید از عموم احزاب در کنار بود. افکار را در آنچه سبب عزت ابدیه است بکار برد.

(پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۵۷)

و نیز چنین می فرمایند: احبای الهی باید به همان منوال سابق در امور سیاسی مداخله نمایند. در آبادی ایران بکوشند. در نشر علوم و فنون و صنایع همّت نمایند و در فلاح و زراعت ید بیضا بنمایند. الیوم این امور سبب تأیید است و الا سیاست هر دم در تحویل و تبدیل ...اگر جمیع احزاب مقاصد مختلفه خویش را کنار نهند و به اتحاد و اتفاق پردازند یقین است که تأییدات الهیه و توفیقات ربّانیه در نهایت جلال و جمال جلوه نماید. الحمدلله ما از جمیع احزاب در کناریم نه با حزبی الفت داریم و نه با حزبی کلفت جمیع را خیر خواهیم و در قوت بنیه ایران می کوشیم و تأسیسات خیریه ابدی می نمائیم چون بنیه قوت گیرد جمیع علل و امراض خود مندفع شود ...احبای الهی حتی در خلوات نباید صحبت از سیاسیات نمایند باید به دل و جان بکوشند تا ایران از هر جهت ترقی نماید.

(مآخذ اشعار در آثار بهائی ج ۳ ص ۱۸۰)

۶- از توقیعات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله

۱- " از امور سیاسیّه و مخاصمات احزاب و دول باید کلّ قلباً و ظاهراً لسانلاً و باطناً بکلی در کنار واز اینگونه افکار فارغ و آزاد باشیم. با هیچ حزبی رابطه سیاسی نجوئیم و در جمع هیچ فرقه ای از این فرق مختلفه متنازعه داخل نگردیم. نه در سلک شورشیان درآئیم و نه در شوون داخله دول و طوائف و قبائل هیچ ملّتی ادنی مداخله ای نمائیم بقوه جبریّه به هیچ امری اقدام نمائیم و از حقیقت و جوهر این امر مبارک که اساسش مودّت و وفاق است آنی غافل نشویم. امرالله را چه تعلقی به امور سیاسیّه و چه مداخله ای در مخاصمات و منازعات داخله و خارجه دول و ملل "

(ص ۱۲۰ ج ۱ توقیعات مبارکه ۲۶-۱۹۲۲)

۲- " ... معاذالله از مداخله در امور سیاسی. احبّا باید بکلی از این شوون در کنار باشند و از هر وظیفه ای که منجر به مداخله در امور سیاست شود بیزار گردند زیرا معاشرت، غیر ملحق شدن با احزاب سیاسی است و ملاقات به روح و ریحان، سوای مداخله در امور پُر انقلاب و شور مملکتی است. ... باید عموم احبّا بدانند که اوامر صادره از سلطان ظهور، برای همیشه است نه یک دو روز. جدی است نه شوخی. الهی است نه بشری. "

(ص ۲۶-۷ ج ۳ توقیعات مبارکه ۴۸-۱۹۲۲)

۳- اهل بهاء باید در گفتار و کردار از اغراض سیاسی ملّت و سیاست حکومت خویش و از نقشه ها و برنامه های احزاب و دسته های سیاسی دوری جویند و در این قبیل مباحثات و مجادلات طرفی را ملامت نکنند و به جهتی نپیوندند و هیچ طرحی را ترویج نکنند و خود را به هیچ نظامی که مخالف مصالح وحدت جهانی که مبدأ و مقصد آئین بهائی می باشد منسوب نسازند. باید از هر انتسابی به حزبی معین و از هر تحزّب و تشعّبی وارسته گردند و از منازعات بیهوده و حسابهای ناپسندیده رهائی جویند و از اغراض نفسانی که وجه جهان متحوّل را متغیّر سازد پرهیز کنند. ... بالاخره باید با نهایت استقامت و کمال قدرت بی چون و چرا در راه حضرت بهاء الله سلوک نمایند و از درگیری ها و ستیزه جوئیهای که کار سیاسیون است اجتناب کنند و لایق آن شوند که از وسائط اجراء سیاست الهی به شمار آیند که مشیّت حق را در نزد بشر تجسم می بخشد.

(نظم جهانی بهائی ص ۸۵)

۷- وظایف احبّاء و سیاست الهی

ای عشاق امر بها وقت آن است که کل به پاس این عنایات عظمی اعزازاً لِأمرِهِ الْمُقدَسِ الابهی و تسریعاً لِتَحَقُّقِ کَلِمَتِهِ الْجَامِعَةِ الْعُلَیَّیَا مُتَوَجِّهًا اِلَیْهِ مُنْقَطِعًا عَمَّا سِوَاهِ دَرِ سَبِیْلِ تَرْوِیجِ وَحْدَتِ اصْلِیِّهِ وَ هَدْمِ بَنِیَانِ عَتِیقِ تَعَصُّبَاتِ جَنَسِیَّهِ وَ سِیَاسِیَّهِ وَ وَطَنِیَّهِ جَانِفِشَانِیِ نَمَائِمِ وَ دَرِ تَوْلِیدِ حُسْنِ تَفَاهِمِ وَ تَعَاوُنِ وَ تَعَاوُضِ بَیْنَ مَلَلِ وَ اقْوَامِ مُتَغَایِرِهِ وَ تَحْدِیدِ نِطَاقِ مُنَازَعَاتِ اَتِیَّهِ وَ تَقْلِیلِ وَ تَخْفِیْفِ ثِقَلِ عَظِیمِ بَلِیَّاتِ حَتَمِیَّهِ اَیْنِدِهِ بِه هَمَّتِی خَلَلِ نَاطِقِیْرِ وَ شَجَاعَتِ وَ شَهَامَتِی بَدِیْعِ دَرِ اَنْجَمَنِ عَالَمِ مَبْعُوْثِ گَرْدِیْمِ ...بَا اِحْدِی اَز جَالَسِیْنَ بَرِ وِسَادَةِ عَزَّتِ وَ مَنَصَبِ مُدَاهَنِهِ نَمَائِمِ وَ بَا هِیْجِ دَوْلَتِی سَرًّا مَرْتَبَطِ نَگَرْدِیْمِ اَز اَقَاوِیْلِ وَ اَبَاطِیْلِ اَنْفُسِ سَافِلِهِ لَاهِیَّهِ چِشْمِ پُوشِیْمِ وَ بَه نَفْعِ عَمُومِ پَرْدَازِیْمِ .اَز نِصُوصِ صَرِیْحَهُ قَاطِعَهُ اَلْهَیَّهِ اَنْحِرَافِ نُوْرِزِیْمِ وَ دَرِ مُخَاصَمَاتِ وَ مُنَاقِشَاتِ وَ مَجَادَلَاتِ اِحْزَابِ، اَدْنِی مَدَاخَلِهِ اِی رَا جَائِزِ نَدَانِیْمِ .بَا اِغْرَاضِ مُشْتَهَیَّهِ نَفْسِیَّهِ، اِیْنِ پِیَامِ اَلْهَیِّ رَا اَلْوَدَهِ وَ نَنْگِیْنِ نَگَرْدَانِیْمِ وَ مِیْرَاثِ مَرْغُوبِ لَاعِدَلِ لَه رَا بِه زَخَارِفِ اِیْنِ دُنْیَایِ دَنْیَه مَبَادِلَه نَمَائِمِ ...اِقَالِیْمِ شَرْقِ وَ غَرْبِ رَا یِکِ وَطَنِ شَمَارِیْمِ وَ مَلَلِ وَ اِجْنَسِ مُتَبَاغِضِهِ رَا اَعْضَا وَ اِرْكَانِ یِکِ دُودِمَانِ پِنْدَارِیْمِ مَبَادِی سِیَاسَتِ اَللّهِ رَا عَلِی رُؤُوسِ الْاِشْهَادِ اِعْلَانِ وَ تَرْوِیجِ نَمَائِمِ وَ اَز مَدَاخَلِهِ دَرِ سِیَاسَتِ رُؤُوسَایِ اَرْضِ دَرِ کُلِّ اَقْطَارِ اِحْتِرَازِ وَ اِجْتِنَابِ جُؤِئِمِ .صُفُوفِ مُقَلِّدِیْنِ وَ مُتَوَهِّمِیْنِ رَا بِه قُوَّة تَوَكَّلِ دَرِ هَمِ شِکْنِیْمِ وَ جُرْثُومِ رِقَابَتِ وَ خِصُومَتِ رَا دَرِ اَنْجَمَنِ بَنِیِ اَدَمِ مَحُو وَ زَائِلِ نَمَائِمِ .مِصَالِحِ شَخْصِیَّهِ وَ وَطَنِیَّهِ رَا دَرِ هِیْجِ مَوْرُدِی مَقْدَمِ بَرِ مَقْتَضِیَّاتِ اَسَاسِیَّهِ وَ حُدُودِ حَقِیْقِیَّهِ بَشَرِیَّهِ نَشْمَرِیْمِ .

(توقیعات مبارکه خطاب به احبّاء شرق)

۸- نصایح و تعالیم الهی را نشنیدند

(حضرت ولی امرالله) فرمودند الواح مبارکه به جمیع ملوک نازل شد اهمیّت ندادند اطاعت نمودند از افکار شخصی و سیاسات خود منصرف نشدند نصایح و تعالیم الهی را نشنیدند همه ذلیل و حقیر و پست شدند مکاید سیاسی همه را ذلیل نمود. احبّاء باید بالمرّه اجتناب نمایند و مسلک خود را غیرمسلک آنها قرار دهند بالمرّه از امور سیاسی کناره جویند. الآن تمام خلق و جمیع ملوک گرفتار و مبتلایند از جنوب تا شمال کلّ در خُسران و وبال و متحیر در مأل کار.

(طراز الهی ج ۱ ص ۴۵۶)

۹-نگرش بهائیان نسبت به سیاست

. اعتقاد بهائیان بر اینکه نوع بشر با گذشتن از مراحل اولیّه تکامل اجتماعی اکنون به آستانه بلوغ خود رسیده است؛ ایمان‌شان به اصل وحدت نوع بشر یعنی خصیصه بارز دوران بلوغ نوع انسان و آگاهی‌شان بر اینکه این اصل مستلزم نواندیشی کامل در باره روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد؛ تمسک‌شان به یک فرایند یادگیری که با الهام از اصل یگانگی سعی در درک عمیق‌تری از ماهیت مجموعه‌ای نوین از روابط بین فرد، جامعه و مؤسسات دارد؛ اعتقادشان به اینکه مفهوم جدیدی از قدرت - فارغ از حس سلطه‌جویی و گرایش‌های ملازم آن مانند رقابت، مجادله، تفرقه‌جویی و تفوق‌طلبی - زیربنای این مجموعه روابط مطلوب است؛ و بینش‌شان از بنا نهادن جهانی که از تنوع فرهنگی بهره‌مند و از هر نوع نفاق فارغ است؛ اینها از جمله عناصر اساسی چارچوبی هستند که رویکرد آیین بهائی نسبت به سیاست را، به نحوی که در زیر بیان می‌گردد، شکل می‌دهد.

بهائیان در پی کسب قدرت سیاسی نیستند. در دولت‌های متبوع خود قطع نظر از نوع حکومت، پست‌های سیاسی را نمی‌پذیرند هرچند مسئولیت‌هایی را که صرفاً جنبه اداری دارد قبول می‌کنند. به احزاب سیاسی وابستگی ندارند، در سیاست حزبی دخالت نمی‌کنند و در برنامه‌های وابسته به دستورالعمل‌های تفرقه‌انداز هیچ گروه یا حزبی شرکت نمی‌جویند. در عین حال به کسانی که با نیت خالص برای خدمت به کشور خود در اقدامات سیاسی مشارکت می‌نمایند و یا آمال سیاسی را دنبال می‌کنند احترام می‌گذارند. رویکرد جامعه بهائی در مورد عدم مشارکت در این گونه فعالیت‌ها به منزله اعتراضی بنیادین نسبت به امر سیاست به معنای واقعی آن نیست زیرا نوع بشر ملاً از طرق سیاسی امور خود را سازمان می‌دهد. بهائیان در انتخابات مدنی شرکت می‌کنند ولی تنها در صورتی که این عمل مشروط به وابستگی آنان به احزاب سیاسی نباشد. بهائیان دولت را نظامی برای حفظ رفاه و پیشرفت صحیح اجتماع تلقی می‌نمایند و در هر کشوری که زندگی می‌کنند اطاعت از قوانین آن را، بدون زیر پا نهادن عقاید دینی‌شان، وظیفه خود می‌دانند. در هیچ توطئه و دسیسه‌ای برای براندازی هیچ دولتی شرکت نمی‌جویند و در روابط سیاسی دول مختلف دخالت نمی‌نمایند. این بدان معنی نیست که بهائیان از فرایندهای سیاسی جهان امروز بی‌اطلاع‌اند و بین حکومت‌های عادل و ظالم تمایز قائل نمی‌شوند. رهبران جهان در قبال مردم کشور خود که گران‌قدرترین ذخایر هر مملکت شمرده می‌شوند وظایف سنگین و مقدسی بر عهده دارند. بهائیان در هر کجا که ساکن باشند می‌کوشند که موازین عدالت را رعایت نمایند و برای اصلاح نابرابری و بی‌عدالتی نسبت به خود و دیگران، در قالب قوانین موجود، فعالیت کنند ولی از هر نوع اقدام خشونت‌آمیز نیز اجتناب می‌ورزند. محبتی که بهائیان در قلوب‌شان نسبت به تمام نوع بشر می‌پروانند هیچ مغایرتی با احساس علاقه و وظیفه نسبت به وطن‌شان ندارد.

این رویکرد یا این راه‌برد، همراه با آنچه در فوق بیان شد جامعه بهائی را قادر می‌سازد که در دنیایی که ملل و قبایل به ضدیت در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و ساختارهای اجتماعی در همه جا مردم را منقسم و از هم جدا می‌سازد، هم‌بستگی و یک‌پارچگی خود را در مقام یک موجودیت جهانی حفظ کند و اجازه ندهد که اقدامات

بهائیان در یک کشور موقعیت هم‌کیشان‌شان را در سایر نقاط به خطر بیندازد. با اجتناب از درگیر شدن در منافع و اهداف متضاد ملل و احزاب سیاسی، جامعه بهائی قابلیت خود را برای کمک به فرایندهای صلح و وحدت افزایش می‌دهد.

پیام ۱۲ بیت العدل اعظم اسفند ۱۳۹۱

۱۰- مسائل نهائی مسائلی روحانی هستند

برای یک فرد بهائی مسائل نهائی مسائلی روحانی هستند. امر بهائی حزبی سیاسی نیست، مرامی نیست و دستگاهی نیست که علیه نقائص اجتماع به تحریکات سیاسی از هر قبیل بپردازد. سیر تحولی که امر بهائی به راه انداخته پیشرفتش بر اثر تحول اساسی در وجدان آدمی است و هرکس که بر خدمت امر بهائی قیام کند جهادی در مقابل خویش دارد که باید خود را از تعلق به افکار و اولویات موروثی که مغایر و مخالف با اراده الهی در این عصر بلوغ انسان است به کلی برهاند.

(قرن انوار ص ۱۱۴)

۱۱- عدم دخالت در امور سیاسیه به معنی بی تفاوتی نیست

عدم مداخله در امور سیاسی نمی‌تواند به مفهوم بی‌اعتنائی و بی‌تفاوتی بهائیان در قبال انجام و پیشبرد امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مصالح عام المنفعه دیگر تعبیر گردد. احبای الهی باید در عین اطاعت از حکومت و عدم مداخله در امور سیاسی در انجمن‌ها و فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی شرکت نموده و با شوق و علاقه ای که برای خدمت به عالم انسانی دارند نسبت به پیشرفت و تقدّم مصالح جامعه خود سعی و فیر مبذول دارند حضرت ولی امرالله می‌فرماید: باید به یقین بدانیم که نباید... این شبهه ایجاد گردد که بهائیان به امور و مصالح کشور خویش بی‌اعتنایند و یا از حکومت رایج موجود در وطنشان سرپیچی می‌کنند و یا از وظیفه مقدّسشان در ترویج کامل مصالح دولت و ملت خویش سر باز می‌زنند بلکه مقصود آن است که آرزوی پیروان وفادار و حقیقی حضرت بهالله در خدمت صادقانه و بی‌شائبه و وطن پرستانه به مصالح عالیّه کشورشان به نحوی صورت می‌پذیرد که با موازین عالیّه اصالت و کمال حقیقت تعالیم آئین بهائی منافاتی نداشته باشد.

(حکومت جهانی از دیدگاه دیانت بهائی ص ۷۷)